

پاورقی خواندنی

صفحه ۹ بقیه از صفحه ۱  
به سمت بخش جنگلی دره می‌روی تا بالا بروی، تصور می‌کنی زودتر به بالای دره رسیدی. و از پلیس و مردم کمک خواهی گرفت تا نجات بدهند. بالا رفتن از این مسیر خیلی سخت است، گاهی مجبوری روی چهار دست و پا بروی، غروب نزدیک است و باید سرعت بیشتری به خودت بدهی، دیگر دره و رودخانه و ماشین قراضه‌ها را نمی‌بینی اطراف همه درخت است و تاریکی، چراغ قوه را روشن می‌کنی حتی بالای سرت پر از شاخه درختان است و آسمان را هم نمی‌بینی. فکرهای زیادی در سرت است و



ناراحتی از اینکه ماشینت به آن روز افتاده، با پشت‌سر گذاشتن یک درخت تنومند ناگهان از دیدن چیزی که پیش رویت است سرچایت خشک می‌شوی. یک خرس قهوه‌ای عظیم‌الجثه که به تو زل زده است همان خرسی بود که در فیلم مستند تلویزیون دیده بودی خرسی با گوش‌های کوچک با طول بدنی ۲/۵ متری، دمی کوچک حدود ۱۴ سانتی‌متری و ارتفاع بدن حدود ۱۲۰ سانتی‌متر حتما نزدیک به ۴۰۰ کیلو هم وزنش است.

رنگ موهایش در همان شرایط و زیر نور چراغ قوه هم متغیر از زرد روشن تا قهوه‌ای تیره‌رنگ است، یاد آخرین گفته‌های گوینده تلویزیون می‌افتی که این خرس بزرگترین گوشتخوار مناطق جنگلی خزری و شمال است.

باید فرار کنی و چاره‌ای جز سرازیر شدن از تپه و به سمت داخل دره دویدن نداری، خرس قهوه‌ای بخاطر جثه بزرگش کمی کنداست اما ناامید نیست و دنبال می‌آید.

با دیدن درخت بزرگی که می‌توانی از آن بالا بروی و پنهان شوی با دو تصمیم روبرو می‌شوی.

یا به دره و کنار رودخانه بروی و یا روی درخت، اگر به فرار به سمت پایین ادامه دادی صفحه ۱۵ را بخوان و اگر بالای درخت مخفی شدی صفحه ۱۶ را بخوان.

روستاهای الیت و دلیر

سفر به رویاهای

مه‌گرفته البرز

مجید اسکندری

در پیچ و خم مارگون جاده چالوس هنگامی که سیاه‌بیشه و هریجان را پشت سر می‌گذارید، به سراهی دزبن یا دزدبند می‌رسید که با جاده‌ای از عشق و مه شما را به دامنه‌های شرقی علم کوه و به دامن زیبای روستاهای الیت و دلیر می‌کشاند. حدود ۱۱۰ کیلومتری جاده کرج به چالوس، بعد از سیاه‌بیشه، در سمت چپ جاده، تابلوی دزبن ابتدای یک جاده فرعی ۲۰ کیلومتری است که شما را به روستاهای الیت و دلیر راهنمایی می‌کند. پوشش زیبا و کم نظیر جنگلی در کنار دره‌های ژرف و شگرف و جاده‌ای در میان ابر و مه، شوق پیاده‌روی در میان این همه زیبایی را در هر رهگذری زنده می‌کند.

بعد از طی این مسیر اولین روستایی که مشاهده می‌شود روستای الیت است که پایین جاده سمت چپ قرار دارد و بقیه نقره‌ای رنگ امام‌زادگان احمدرضا و زینب‌رضا زینت بخش طبیعت آن است. دره‌های اطراف روستا بسیار بکر و دست نخورده به نظر می‌رسند و صعود و فرود به اعماق آنها بدون وسایل و ابزار کوهنوردی امکان پذیر به نظر نمی‌رسد. در ادامه راه به روستای دلیر می‌رسیم. تفاوت بین این دو روستا در وسعت و تعداد و نوع ساختمان‌های مسکونی است. بافت روستای الیت به دلیل وسعت بیشتر دارای فضای بیشتری است در حالی که روستای دلیر از کوچه‌های باریک‌تر و تراکم بیشتری برخوردار است. الیت دارای مرتع بیشتری می‌باشد و بافت قدیم روستا تقریباً حفظ شده و خانه‌ها و ویلاهای جدید با فواصل بیشتری از هم ساخته شده‌اند.

الیت و دلیر با مردمانی ساده و دوست داشتنی اجازه احساس غریبه بودن، به شما نمی‌دهند. شاید این را در محبت خانواده‌ای از روستای دلیر که منزلش را بی منت در اختیار ما گذارد فهمیدیم. شاید اغراق باشد ولی محبت و ملامت اهالی بیش از انتظارمان بود. آنچنان صادق و صمیمی بودند که خیلی زود خانه را از آن خودمان فرض کردیم. در طول اقامت پرخاطرمان در این روستا صحنه‌ای نشان از خشونت و یا احساس ناامنی ندیدیم. جالب بود که حتی رفتار بچه‌های کوچک روستا هم با هم به ملامت و ملاحظت بود حتی در بازی‌های نفس‌گیر بچه‌گانه.

بعد از اسکان و صرف غذا کم کم خودمان را پیدا کرده و سرک کشیدن‌های کنجکاوانه به اطراف را آغاز کردیم. نگاهی نه از سر فضولی بلکه از شوق برگشتن به گذشته. شاید سال‌ها بود که

رنگ شاداب نان‌های محلی از ذهنمان پاک شده بود ولی در این سفر، مشتاقانه و دوربین به دست شاهد پخت نان در تنوره‌های کوچک روستای دلیر بودیم. لذتی وصف‌نشدنی که زن‌های بومی روستا را متعجب کرده بود. لبنیات محلی و چای زغالی هم که میهمان صاحبخانه خوبمان بودیم.

منطقه دلیر به دو بخش بالا محله و پایین محله تقسیم می‌شود. یک آب‌گرم معدنی و چندین چشمه پرآب از جمله اودیزون، هفت‌خانی، عارس‌زماک و لزیب همراه با رودخانه‌های زیبا حاوی ماهی قزل‌آلای خال قرمز طراوت خاصی به این منطقه داده است. قله علم‌کوه در قسمت غربی روستاهای دلیر و الیت، یکی از معروفترین قله‌های البرز محسوب می‌شود که به دلیل تنوع چشمگیر گیاهی و جانوری و زیبایی منحصر به فرد در فهرست آثار طبیعی ملی کشورمان به ثبت رسیده است.

صبح زود به دامنه‌های علم کوه می‌رویم. شکوه کم نظیر طبیعت، چشم‌ها و لب‌هایمان را بی‌اراده به تعجب و تحسین وامی‌دارد. خدایا... هر چقدر در دور و بر خود بیشتر دقت می‌کنیم... هر چقدر بیشتر به موجودات به ظاهر ناچیز اطرافمان دقیق می‌شویم... هر چقدر عمقی‌تر می‌بینیم... بیشتر از پیش به این حقیقت می‌رسیم که ما چقدر کوچک و ناچیزیم و تو چقدر بزرگ و توانا... خدای من ممنون.

در یک گروه پنج نفره، به کندی و در سکوت به راه خود ادامه می‌دهیم. اگرچه هدف یکی است ولی سلیقه و تخصص افراد متفاوت است و این تفاوت در نگاه و سلیقه به نوعی باعث می‌شود چیزهایی را با نگاه دیگران ببینیم که با چشم خود نمی‌بینیم. جالب است که دو نفر دقیقاً به یک چیز نگاه کنند ولی دو چیز کاملاً متفاوت ببینند. نه؟

یکی از دوستان عاشق عکاسی است. عکاسی یعنی حفظ خاطره‌ها، انتقال دیده‌ها و ثبت شگفتی‌ها. دامنه‌های سبز اطراف روستا پر بود از شگفتی‌هایی که ثبت آنها شوق زنده بودن را به انسان می‌بخشید. شوق بودن و دیدن. یک عکاس با ذوق به صحنه‌ای که شما بارها

و بارها از کنارش بی‌توجه می‌گذرید، آنچنان عمق و معنی می‌بخشد که هر نگاهی را خیره می‌کند... دوستی دیگر تشنه کوهنوردی است. کوهنوردی نیز عشقی است که لذت رهایی و آزادی را در انسان زنده می‌کند. یک کوهنورد هنگامی که در کوه قدم می‌زند آن را جزو لحظات عمر خویش به حساب نمی‌آورد و آنقدر با فراغ بال و خیال راحت نفس می‌کشد که هر دم آن، اندکی عقربه‌های ساعت عمرش را به عقب می‌کشد. کوه حس بزرگواری و متانت را تقویت می‌کند... علاقه شخصی خودم هم اشتیاق به گیاهان است. دنیای دلنشین در کنار رقص و غمزه‌های اغواگر گل و برگ و ساقه. یک میهمانی شیرین در میان بازی رنگ‌ها و طراوت گلبرگ‌ها. مثل همیشه به اقتضای شغلم به دنبال گونه‌های جدید و جالب گیاهی بودم و الحق که همه جالب و جذاب به نظر رسیدند و پرس دستی همراه از انواع گیاهان متنوع و جالب این منطقه پر شد به آن امید که نمونه‌های آن را در مجموعه‌های تنوع زیستی و موزه گیاهشناسی محل کارم نگهداری



## آشنایی با گیاهان سمی

*Atropa belladonna*  
Solanaceae



**شابیزک، بلادون**  
این گیاه بیشتر در مناطق جنگلی می‌روید. گیاهی بسیار سمی است ولی عصاره آن کاربردهای دارویی دارد.

*Conium maculatum*  
Apiaceae



**شوکران**  
دارای برگ‌هایی بزرگ و گل‌هایی چتری مانند، سفید رنگ و کوچک است که به صورت علف‌هز در مزارع و باغات و زمین‌های بایر می‌روید. تغذیه از آن در انسان و دام‌ها موجب مسمومیت می‌شود.

## پاورقی خواندنی

صفحه ۱۰ بقیه از صفحه ۲

روی زمین دراز می‌کشی و به روش گربه روی خود را داخل ورودی غار می‌بری، مطمئن هستی گرگ نمی‌تواند داخل شود روی پنجه دستانت پیش می‌روی مراقب هستی بدنت به جایی نخورد و با ریزش خاک دفن شوی.

وقتی مسیر پرخطر و سخت را پشت سر می‌گذاری و داخل غار می‌شوی از خوشحالی نفس عمیقی می‌کشی اما باز نگرانی که داخل غار حادثی پیش رویت باشد.

صدای پای گرگ را بیرون ورودی غار می‌شنوی، خم شده و نگاه می‌کنی حیوان سردرگم است و پاهایش را می‌بینی حتی بخواد داخل بیاید می‌توانی کمین کرده و با قفل فرمان ضرباتی به پوزه‌اش بزنی.

چراغ قوه را داخل غار می‌چرخانی، باور نمی‌کنی یک غار بزرگی است که انتهایش دیده نمی‌شود.

آرام به دیواره شنی تکیه می‌دهی باید تصمیم بگیری که تا صبح در آنجا بمانی و با رفتن گرگ‌ها خارج شوی یا اینکه به سمت انتهای غار حرکت کنی.

هر کدام از این تصمیم‌ها را گرفتی دنباله سرنوشتت را در شماره بعد ویژه‌نامه آخر هفته بخوان.

## دربند و آبشار شیرپلا

**سید نقی جلی**



آبشار دوقلو (شیرپلا) با طبیعت زیبای خود در ارتفاع ۲۷۰۰ متری، در زیر پناهگاه شیرپلا قرار گرفته و از زیباترین آبشارهای شمیران به‌شمار می‌رود. این آبشار و چندین آبشار کوچک و بزرگ دیگر در مسیر پرتردد کوهنوردی دربند به شیرپلا واقع شده‌اند.

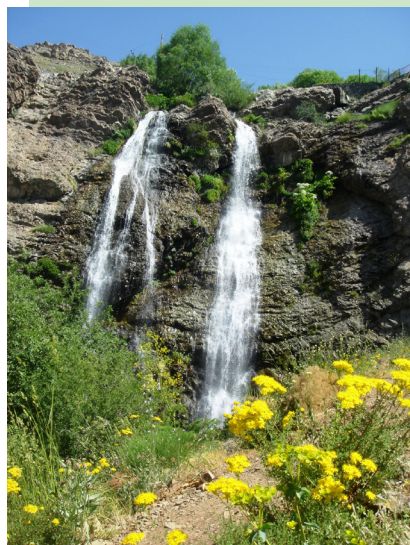
برای رسیدن به آبشارهای زیبای این مسیر می‌بایست از دربند در شمال تهران و از میان دهکده کوچک پس‌قلعه گذشت و سپس با حدود دو ساعت کوهپیمایی، به پناهگاه شیرپلا و آبشار دوقلو راه یافت. در برخی مناطق صخره‌ای مسیر نیز می‌بایست از طناب‌ها و سیم‌بکسل‌های نصب شده کمک گرفت. در ابتدای مسیر نیز آسانسوری بزرگ و یک تله‌سیژ از ابتدای میدان دربند شما را به دامان طبیعت نزدیکتر می‌کنند.

این مسیر کوهنوردی یکی از زیباترین و جذابترین مناطق کوهپیمایی اطراف تهران است که علاقه‌مندان زیادی در طول سال دارد.

دهکده پس‌قلعه در انتهای منطقه ییلاقی سرپند و دربند، در دو کیلومتری شمیران قرار گرفته است. پس‌قلعه، در کنار شهر شلوغ تهران، محلی است برای صیافت کوه و پرنده و آبشار. قدمت این منطقه به پیش از اسلام می‌رسد، نشانه‌های باقی مانده از تمدن‌های کهن در اطراف آن شاهد این ادعا هستند؛ قبور زرتشتی‌ها در انتهای آبادی در کنار چنار قدیمی و قصر شاه‌میران از امرای عرب از آن جمله‌اند.

پس‌قلعه به علت نداشتن زمین‌های مسطح و قابل کشت، تنها دارای درختان گردو، شاه‌توت، ازگیل، سیب و گیلاس است و زراعت قابل توجهی ندارد. در حال حاضر رستوران‌ها و دیزی‌سراهای زیادی در طول این مسیر به صورت قارچ‌گونه سر بر آورده‌اند که اگرچه محلی برای استراحت مسافران عبوری هستند ولی به نوعی چهره طبیعی آن را مخدوش کرده‌اند. رودخانه جاری در این منطقه رود جعفرآباد نام دارد که از به هم پیوستن ریزابه‌های شیرپلا و اوسون تشکیل شده است. این رودخانه که اکنون بیشتر به یک کانال آب شبیه شده است، در گذشته پس از گذشتن از دربند، تجریش، قلهک و پس از به کار انداختن چندین آسیاب آبی در مسیر خود به میدان توپخانه و از آنجا وارد ارگ سلطنتی می‌شد و در انتها از قریه دولاب سر در می‌آورد. این مسیر اکنون به کلی نابود شده است.

در اطراف پس‌قلعه وجود کوه‌های بلند و فرخ‌بخش زمینه را برای رفت و آمد کوهنوردان در طول سال فراهم کرده است. از مهمترین کوه‌های این منطقه می‌توان به بند یخچال اشاره کرد. این کوه که سال‌ها قبل بر اثر رانش زمین، در میان یک صخره بزرگ ایجاد شده است، محوطه وسیعی در شرق دره آبشار پس‌قلعه است که سنگ‌های بسیار بزرگی در اطراف آن پراکنده است و در ایران اولین محلی است که سنگ‌نوردی با میخ و طناب در آن به انجام رسید و همچنان نیز ادامه دارد. همچنین بند اسون که شامل صخره‌هایی بلند در انتهای باغ‌های دهکده پس‌قلعه می‌باشد نیز از کوه‌های مشهور منطقه است که به بند مگس نیز معروف است. علاوه بر آن کوه‌های بازاریک، تخت سرطان، شیرپلا و اسپیدکمر نیز با عظمت و زیبایی خود، کوهنوردان را به سوی خود می‌خوانند. در شمال شیرپلا، دو چشمه معروف چشمه نرگس و فرخلا قرار دارند که آب این چشمه‌ها به علت برخورد با سنگ و ماسه از گوارایی خاصی برخوردارند.



در طول مسیر کوهنوردی شیرپلا و پس از گذشتن از روستای پس‌قلعه، ده‌ها آبشار کوچک و بزرگ با صدای دلنشین خود، شما را تشویق به صعود می‌کنند. این آبشارها مخصوصاً در فصل بهار با صدای دلنواز خود، آرامشی وصف‌ناشدنی به رهگذران و کوهنوردان می‌بخشند. مناطقی مانند دربند، دارآباد، جمشیدیه، درکه و فرحزاد از ییلاقات قدیمی شمیران محسوب می‌شوند. این مناطق از دیرباز و در روزهای پایانی هفته مملو از افرادی می‌شود که از هیاهوی شهرنشینی به دامان طبیعت فرار می‌کنند و در محیطی آرام و سنتی در جوار تهران، از کوه و رودخانه و باغ‌های سرسبز بهره می‌برند. شاید بهترین پیام برای این میهمانان هفتگی آن باشد که، بیایید با طبیعت مهربان باشیم.

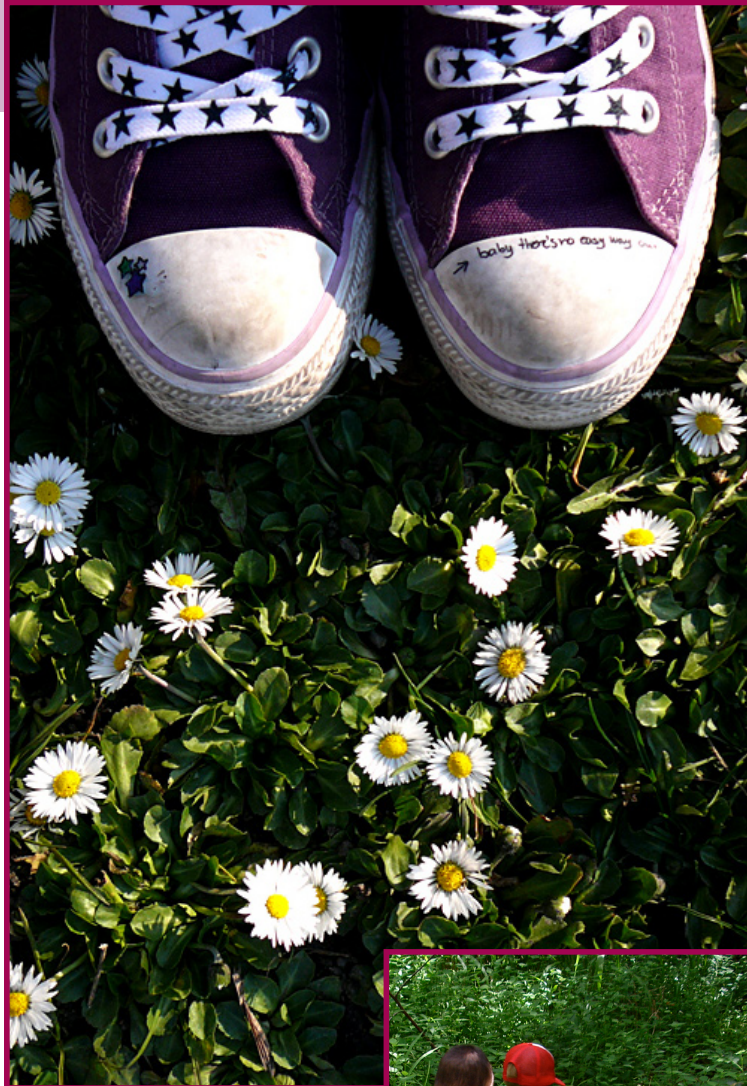


کنم. دوست حشره‌دوستان هم حسابی از تنوع شگرف منطقه استفاده کرد و چندین نمونه خوب را جهت اطلاع کردن به دام انداخت. (اطاله یکی از مراحل خشک کردن نمونه‌های حشرات جهت شناسایی و نگهداری در موزه است). شب را تا دیر هنگام در کنار تله نوری دوست حشره‌شناسمان به سر کردیم و با شب پرکها و بال‌توری‌ها همنشین شدیم و چای زغالی خوردیم و خاطره گفتیم. احساس متفاوتی بود. آرامشی در کنار آواز دلنشین آب و غوغای جیرجیرک‌ها و قورباغه‌ها که نامش را می‌گذاریم سکوت دلنشین طبیعت!

فردای آن روز از میان جاده ای پر پیچ و خم به سمت روستای ناتر رفتیم. ناتر نیز به مانند الیت و دلیر سرشار از طراوت و مناظر زیباست که وصف آن در این مقال نمی‌گنجد... در آخر با کوله‌ای از خاطرات، مجبور به ترک این مناطق زیبا و بازگشت به غوغای به اصلاح متمدن شهری شدیم. باز هم بوق و دود و استرس. ما ماندیم و یک سوال بی‌جواب، کدام صحیح‌تر است؟ تمدن فدای آرامش یا آرامش فدای تمدن!

## دشتهای بهاری

چشمه و حشرات و... ولمس آنها در بازیگوشی‌های کودکانه، شنیدن صدای پرندگان و تشخیص آنها از یکدیگر، بوییدن گل‌های زیبا و علف‌های ترد و تازه، شناخت گیاهانی که در محدوده زندگی شهری کمتر دیده می‌شوند و... ساعتها می‌تواند کودک را سرگرم کند. خوشبختانه دشت آدرس مشخصی ندارد. چند کیلومتر از شهر محل سکونت خود دور شوید، می‌توانید در طبیعت اطراف و در دامنه کوهی زیبا یا حاشیه رودی روان بساط تفریح را به پا کنید. تفریح بدون خوراکی و تنقلات حتی برای بزرگسالان هم ممکن نیست، کودکان که جای خود را دارند. تنقلات سالم و طبیعی برای کودکان خود انتخاب کنید و در بازگشت مراقب باشید که هیچ زباله‌ای روی زمین نمانده باشد. این یک اخطار جدی است!



### آموزش گردشگری

## خلاقیت در اردوهای طبیعی

مهدکودک‌های امروز ما با بسیاری از شیوه‌های آموزشی مدرن و حتی سنتی روبه‌رو هستند که مدیران مهدکودک را به برنامه‌ریزی‌های خاصی در روش‌های آموزشی خود دعوت می‌کند. این شیوه‌های آموزشی غالباً مبتنی بر ایجاد خلاقیت در کودکان و پرورش استعدادها و کودکی برای درک محیط است و در مهدکودک این پرورش استعداد، بیشتر بر اساس بازی شکل می‌گیرد. برخی بازی‌ها مبتنی بر طبیعت است و برخی نیز در محیط مهدکودک به راحتی قابل اجرا است. اما آنهایی که در طبیعت شکل می‌گیرد از این ظرفیت برخوردار است که میان کودک و طبیعت ارتباط مناسبی برقرار کند.

الهام مدنی، کارشناس گردشگری در این خصوص معتقد است که گردشگری اگر در اندازه قد و قامت کودکان تعریف شود، می‌تواند فرصت بسیار مناسبی را برای پرورش بسیاری از خلاقیت‌های کودکان در محیط‌های طبیعی فراهم کند.

وی که به عنوان کارشناس آموزشی در برنامه‌ریزی تعدادی از مهدکودک‌های شهر تهران به فعالیت مشغول است، گردشگری را امکانی ویژه برای آموزش و تفریح توأمان کودکان می‌داند و می‌گوید که باید در این خصوص کاری کرد تا با اجرای بازی‌هایی که امکان اجرای آنها در طبیعت بیشتر ممکن است و برگزاری تورهای کوتاه مدت گردشگری به پارک‌ها و فضاهای

طبیعی، شرایط نهادینه شدن تفریحات سالم را در کودکان فراهم کرد. سمیرا مبین، کارشناس آموزشی مهدکودک نیز در این خصوص می‌گوید:

### پاورقی خواندنی

صفحه ۱۱ بقیه از صفحه ۲

نمی‌خواهی داخل غار شوی به‌خاطر همین در امتداد تپه می‌دوی، هر لحظه امکان می‌دهی گرگ از پشت سرت به تو برسد، دیگر توان دوییدن نداری، درختی هم نیست که روی آن رفته و در امان باشی.

ناگهان شعله‌های آتشی را پشت انبوهی از درختان می‌بینی، انگار روزنه امیدی پیدا کرده‌ای و به سمت آنجا تغییر مسیر می‌دهی، اشتباه نکردی گروهی در آنجا چادر زده‌اند و شاید دوستانت باشند هنوز ۲۰۰ متری با این کمپ فاصله داری که از سمت راست و چپ دو گرگ پیش رویت می‌ایستند از ترس فریادی می‌کشی و با روشن کردن چراغ قوه آماده می‌شوی در صورت حمله گرگ‌ها با قفل فرمان از خودت دفاع کنی.

از چهره گرگ‌ها مشخص است خیلی گرسنه هستند. هنوز سرگرم نور چراغ قوه‌ات هستند که صدای شلیک گلوله را می‌شنوی و دو گرگ که احساس خطر کرده‌اند پا به فرار می‌گذارند.

مردی ناآشنا را می‌بینی که اسلحه شکاری‌ای در دست دارد و به سمت تو می‌آید، تو نجات پیدا کرده‌ای آن مرد و دوستانش شکارچی پرند هستند، وقتی داستان‌ت را می‌شنوند می‌خواهند آن شب میهمانشان باشی و قول می‌دهند صبح با تو کنار ماشینت آمده و به تو بنزین بدهند تا به تهران برگردی.

آن شب خیلی زود و پس از خوردن گوشت کبابی پرندگان شکار شده، می‌خوابی و صبح همان شکارچی‌ها باک بنزین ماشینت را پر کردند و تو راهی تهران شدی، ساعت ۲ بعد از ظهر بود که به خانه رسیدی و احساس کردی باید پیش از هر کاری به حمام بروی و به بدنت آرامش بدهی.



فضای سر بسته‌ای ببرند که برای کودک، هیچ آموزشی به همراه نخواهد داشت.

وی از موزه‌های مربوط به حیوانات و محیط زیست و همچنین فضای پارک‌های بزرگی که امکانات طبیعی مناسبی دارند یاد می‌کند و معتقد است که این شکل از آموزش می‌تواند کودکان را با شناخت پرندگان، گل‌ها و گیاهان، حشرات، پدیده‌های طبیعی و... از نزدیک آشنا کند.

اگرچه به عقیده کارشناسان گردشگری، تفریحات چند ساعته در تعریف علمی گردشگری گنجانده نشده است، اما این تفریحات می‌تواند با معنا شدن در قالب فعالیت‌های مرتبط با گردشگری امکان‌پذیر شود. بنابراین این علم را از کودکی فراهم کند.

متأسفانه بسیاری از مدیران مهدکودک‌ها با وجود بودن امکانات مناسب در فضای پارک‌ها برای آموزش کودکان، ترجیح می‌دهند تا برای اردوهای کوچک کودکان، بچه‌ها را به شهرهای بازی یا

تبدیل یک منبع گردشگری با توانایی های بالقوه به جاذبه گردشگری امکان استفاده از یک جاذبه را برای گردشگر فراهم می کند. در گردشگری طبیعت مدار (اکوتوریسم) شکل تبدیل منبع به جاذبه با گردشگری فرهنگی تفاوت های بسیاری دارد اما از کلیاتی پیروی می کند که بدون آنها گردشگری بر مبنای توسعه پایدار ممکن نیست.

# گردشگری از منبع تا جاذبه



امکانات رفاهی، مسیر مناسب، ایجاد حس امنیت برای گردشگر، سیستم اطلاع رسانی مطلوب، وجود راهنما برای پاسخگویی به سوالات و وجود امکانات حفاظت از یک مجموعه یا جاذبه فرهنگی از مهمترین شرایطی است که برقراری درست آن می تواند یک منبع خام گردشگری را به جاذبه تبدیل کند. امکانات رفاهی نیز مجموعه ای از امکانات مورد نیاز است که باید با کیفیتی مطلوب پیش بینی شود تا شرایط مناسب برای بازدید گردشگر در یک رفاه نسبی فراهم شود. از مهمترین امکانات رفاهی نیز دسترسی به آب قابل شرب، آب شستشو و وجود سرویس بهداشتی مناسب و تمیز است. از امکانات دیگر رفاهی نیز می توان به شبکه برق، سرویس تلفن، محل استراحت و اقامت (استراحتگاه، کمپ، مسافرخانه، هتل و...) اشاره کرد.



سیستم اطلاع رسانی مناسب نیز از دیگر امکاناتی است که بسیاری از کارشناسان از آن به عنوان شکلی از امکانات رفاهی یاد می کنند. وجود علائم راهنمایی مناسب از نزدیکترین شهر تا رسیدن به سایت مورد نظر، راهنمای مناسب، نقشه، تابلو و... از حداقل امکانات مورد نیاز برای اطلاع رسانی در خصوص آن جاذبه است. وجود پمپ گاز یا بنزین در نزدیکترین محل ممکن به سایت و اطلاع رسانی صحیح و منظم به گردشگر از طریق تابلوهای میان راه به آرامش گردشگر کمک بیشتری می کند.

وجود یک سایت اینترنتی برای معرفی جاذبه نیز از اهمیت برخوردار است. در این سایت علاوه بر اطلاعات جاذبه می توان در خصوص راههای دسترسی به آن، مسافت، نوع وسیله نقلیه مورد نیاز و همچنین در خصوص جاذبه های گردشگری مجاور و یا نزدیک به این جاذبه اطلاعات بسیاری در اختیار گردشگر قرار داد. دسترسی به پاسگاه انتظامی و بیمارستان یا درمانگاه نیز در نزدیکترین فاصله باید از طریق اطلاع رسانی به گردشگر مشخص شود. یکی دیگر از امکانات مهم گردشگری، دسترسی به سطل زباله در اولین جای ممکن است. برای شما که گردشگرید و شاید تجارب بسیاری در این خصوص دارید، تا کنون پیش آمده است که در هنگام بازدید از یک جاذبه گردشگری به همگی این حداقل امکانات عنوان شده برخورد کنید؟! یعنی همیشه و همه جا آب آشامیدنی در دسترس است؟! یعنی سرویس های بهداشتی حداقل نظافت را دارند؟! یعنی اطلاع رسانی کاملا دقیق است و سردرگمی شما مربوط به اطلاع رسانی غلط نیست؟! یعنی راهنماها همیشه اطلاعات جامعی از خود جاذبه و حواشی آن دارند؟! یعنی این همه بطری خالی آب و نوشابه مربوط به گردشگران نیست؟!

## برنامه ریزی رکن اساسی توسعه در گردشگری

حمیرا محب علی

صنعت جهانگردی مجموعه فعالیت هایی است که امکانات و خدمات مورد نیاز جهانگردان را در مبداء، مسیر و مقصد تهیه می کند و در اختیار آنها قرار می دهد. گردشگری، یک صنعت خدماتی است و بر همین اساس دو عنصر حمل و نقل و امکانات و خدمات در آنها از اهمیت بسزایی برخوردار است. همین وجه خدمات رسانی در گردشگری سبب شده است که برنامه ریزی در آن از ویژگی های خاصی برخوردار باشد. این موضوع از آنجا قابل اهمیت است که جهانگردی به عنوان یکی از مهمترین عوامل مهم در اشتغال مطرح است و بنابراین، کشورهایی در توسعه گردشگری موفق تر هستند که بتوانند برنامه ریزی های علمی تر و جامع تری را با توجه به عوامل جغرافیایی منطقه و محیط به اجرا درآورند. برنامه ریزی در گردشگری نیز مانند هر شکل دیگری از این علم براساس دستیابی از نیازهای نامحدود به خواسته های محدود آدمی شکل می گیرد که در دنیای گردشگری برای آن روش ها، مدل ها و تکنیک های خاصی در نظر گرفته شده است. این برنامه ریزی بر اساس تحلیل منابع، نیروی انسانی، سرمایه گذاری، بازار و تجهیزات است، اما در هر حال بر منابع گردشگری استوار است. از آنجایی که منابع در گردشگری تعریف ویژه ای دارد، برنامه ریزی در حوزه گردشگری هم اهمیت پیدا می کند و بر مبنای تعریف از منبع در گردشگری، تعیین می شود. از طرفی گردشگری صنعتی است بر اساس جاذبه شکل می گیرد و بدون جاذبه معنا ندارد، اما جاذبه ها در گردشگری همان منابع خامی هستند که با انجام فرایند برنامه ریزی به شکلی قابل استفاده تبدیل شده اند، به گونه ای که گردشگر در مواجهه با آن احساس آرامش کند. وجود یک اثر تاریخی در یک منطقه ای دور افتاده، به تنهایی جاذبه گردشگری نیست، حتی اگر از آن محافظت شود. این اثر زمانی جاذبه گردشگری محسوب می شود که در کنار خود امکانات لازم برای رفاه و آسایش گردشگر را داشته باشد. در صورتی که این امکانات فراهم نباشد، این بناهی که به ظاهر جاذبه به حساب می آید، تنها یک منبع مناسب است که باید با علم برنامه ریزی، آن را به یک جاذبه تبدیل کرد. اینجاست که برنامه ریزی معنا پیدا می کند و برنامه ریزی در گردشگری، دقیقاً بر اساس رفاه و آسایش گردشگر تعریف می شود، اما استفاده از منابع نیز تنها به تبدیل آنها از جاذبه به منبع خلاصه نمی شود. منابع در گردشگری بر منابع طبیعی، فرهنگی، تاریخی، انسانی و سرمایه ای استوار است که توسعه در هر کدام اشکال مختلفی از برنامه ریزی را به وجود می آورند. منابع طبیعی، فرهنگی و تاریخی را بیشتر در خلق جاذبه به کار می گیرند و از منابع انسانی برای خدمت رسانی و اشتغالزایی بهره می گیرند. منابع سرمایه ای هم گاه به کمک دیگر منابع می آید و گاه به صورت مستقل در خلق جاذبه های دست ساز نقش دارند، اما رمز موفقیت گردشگری بیشتر بر مبنای استفاده از منابع انسانی است. کشورهای توسعه یافته بیشترین تلاش خود را بر استفاده از منابع انسانی در اشتغالزایی به کار می گیرند و البته پس از آن به منابع سرمایه ای اهمیت می دهند و در این میان کمترین سهم به بهره برداری از منابع طبیعی و برنامه ریزی برای کمترین تجاوز در این منابع شکل می گیرد. در کشور ما که جهانگردی در آن همواره دستخوش تغییرات در عرصه اجتماع است و به عنوان صنعتی درآمدزا مورد توجه جدی قرار نمی گیرد، استفاده از منابع انسانی در توسعه این صنعت و به دنبال آن اشتغالزایی ناشی از این صنعت نیز جایگاه قابل توجهی ندارد. از طرفی با اینکه توسعه بر مبنای منابع طبیعی روش درستی نیست، اما منابع طبیعی چنان در خدمت تمامی صنایع است که دیگر جایی برای گردشگری باقی نمی ماند. به هر تقدیر گردشگری یک علم است، علمی که باید بر مبنای برنامه ریزی شکل بگیرد و از آنجایی که صنعتی ترکیبی است که در بطن خود صنایع دیگری را شامل می شود، توسعه آن بدون برنامه ریزی و در نظر گرفتن شاخصه های محیطی، جغرافیایی، انسانی و منابع ممکن نیست.

### پاورقی خواندنی

صفحه ۱۲ بقیه از صفحه ۳

از پشت پنجره ماشینت دو گرگ را می بینی که هنوز منتظرت هستند اعتنایی نمی کنی و چشم هایت را می بندی، از اینکه هوا سرد نیست خوشحالی و خیلی زود خوابت می برد. صبح شده است و تو با شنیدن ضرباتی به شیشه ماشینت بیدار می شوی، مأمور پلیس را می بینی، خنده ای که روی لبانت می نشیند گواه این است که از دیدن مأموران خوشحال شده ای و آنها را فرشته نجات می دانی.

در را باز کرده و پیاده می شوی، مأموران پلیس که گشت زنی می کردند تو را در آن حالت دیده اند، داستانت را که می شنوند یک گالن ۴ لیتری بنزین را از پشت ماشینشان در آورده و در پاک ماشین تو خالی می کنند.

نشانی نخستین پمپ بنزین را می گیری، دیگر علاقهای به ادامه مسیر نداری، امیدواری دیگر اتفاقی برایت نیفتد یاد گرگ های شب گذشته که می افتی باز وحشت می کنی و به جاده اصلی رسیده و با رفتن به پمپ بنزین آماده برگشت به تهران هستی ناگهان سویچ ماشینت کف آن می افتد، خم می شوی که برداری موبایلت را می بینی که زیر صندلی است فقط می توانی بخندی آن را برمی داری و می بینی خاموش است، وقتی روشن می کنی مسیری جز رفتن به خانه نداری، با دوستانت تماس می گیری و می فهمی خیلی نگران بودند و همگی به تهران برگشته اند.